

توثیق بیمه‌نامه*

- دکتر عبدالله خدابخشی
- دادیار دادرسی عمومی و انقلاب مشهد

چکیده

حوادث رانندگی همواره مشکل ساز است، چه برای زیان‌دیده و چه برای مرتکب و زیان‌زننده. راهکارهای قانونی نیز گاه بر این مشکلات می‌افزاید و گاه موجب تبعیض می‌شود. یکی از راهکارهای مطلوب کاستن از این دشواریها، اقدام قانون اصلاح بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث ۱۳۷۸ است که وثیقه گذاشتن بیمه‌نامه و استفاده از طرفیت قابل اطمینان نهاد بیمه را پیش‌بینی کرده است. بررسی راهکار اجرایی کردن ماده ۲۱ قانون فوق وجهه همت این مقاله است. واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، بیمه‌نامه، توثیق، حوادث رانندگی، بیمه‌گر، بیمه‌گذار.

درآمد

«ضروریات و نیازها، منطق را به دنبال خود می‌کشند»؛ این سخن گویای تفکری

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۱۲.

است که به دنبال اجرای عدالت در پرتو تحولات حقوقی است و در کتابهای حقوقی بارها تکرار شده است. بی‌گمان درک این سخن آسان نیست ولی وقتی کوره حوادث رانندگی داغتر می‌شود و فکر جبران خسارت زیان‌دیده از یک سو و «تصادفی بودن» بیشتر این حوادث و بی‌اثر بودن سیاست کیفری تشدید مجازات نسبت به مرتکبان از سوی دیگر و پیشگیری از اعمال بازداشت‌های موقتی، برای همگان احساس می‌شود، می‌توان امیدوار بود که تقدم ضرورت بر منطق، بیشتر درک خواهد شد. در این میدان، دیگر کسی به دنبال حفظ اصول سنتی حقوق نیست^۱ و تحولات، سنتها را اصلاح یا درون‌تهی می‌کند. دیگر، دادن مهلت دو سال و سه سال برای جبران خسارت موضوعیت ندارد؛ انتظار تا زمان صدور حکم و قطعیت رأی و ملموس نمودن تعهد مسئول حادثه و تبدیل «تعهد به کار» به «تعهد به پول» معنا ندارد؛^۲ تفاوت نهادن میان اعضای خانواده و دیگران و استثنا کردن حمایت از زیان‌دیده مصداق تبعیض است^۳ و...؛ این رویکردهای ضروری نوعی غلبه بر سنت می‌باشند و نباید از آن هراس داشت.

حوادث رانندگی، جرم محسوب شده‌اند؛ جرمی عادی (پرادل، ۱۳۸۶: ۱۲۶) که در عین اتفاقی بودن، بسیار زیانبار است و اگر وضع زیان‌دیده را دشوار می‌کند، به مسئول و مرتکب نیز گزند قابل توجه می‌رساند؛ احساس پریشانی وجدان، افتادن در مسیر اداری و رفت و آمدهای متعدد به مراجع ذی‌ربط و اتلاف وقت، توقیف وسیله نقلیه و محروم شدن از کسب درآمد، بازداشت احتیاطی و احتمالی به دلیل تضمین حضور، از جمله آثار حوادث رانندگی نسبت به مرتکب می‌باشد. برای هر یک از این آثار می‌توان توجیهی ذکر کرد و بازتاب کلی آنها را به سوی بازدارندگی عمومی و خصوصی که در حقوق کیفری مطرح است هدایت کرد.^۴ در عین حال می‌توان از نتایج نامطلوب آنها، در برخی موارد جلوگیری نمود یا

۱. برای ملاحظه پای‌بندی حقوق فرانسه به اصول مرسوم خود ر.ک: عراقی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۷، ۴۸ و ۷۴.
 ۲. برای ملاحظه تفاوت مفاهیم «تعهد به کار» و «تعهد به پول» ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۵۱-۵۴.
 ۳. اشاره به ماده ۲ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی... سابق که هرچند نسخ شده است ولی در مورد روابط پیشین، تا حدودی اعمال می‌شود.
 ۴. در مورد نقش بازدارندگی مجازات در حوادث رانندگی، ر.ک: Peden, 2004.

عوارض آنها را کاهش داد تا حکم عام عادلانه قانونگذار با انصاف قضایی نسبی تلطیف گردد و همگان با یک رویکرد، مورد خطاب و سرزنش قرار نگیرند.^۱ یکی از راهکارهای مطلوب، اقدامی است که در قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث ۱۳۷۸ برای وثیقه نهادن بیمه‌نامه و استفاده از ظرفیت قابل اطمینان نهاد بیمه مسئولیت^۲ پیش‌بینی شده است. این راهکار هنوز در مرحله گذر از سنت مرسوم به تحول جدید است و تجزیه چند ماهه اعمال قانون و دیده‌ها یا شنیده‌ها حکایت از عدم استفاده مناسب از آن در رویه قضایی دارد و همین امر را بر آن داشت تا به بررسی تحلیلی این راهکار بپردازیم.

بنابراین هدف ما بررسی ماده ۲۱ قانون است که جز در موارد تصریح‌شده، منظور همان «قانون اصلاح بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» ۱۳۷۸ می‌باشد. در این ماده آمده است: «محاکم قضایی موظفند در حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی، بیمه‌نامه شخص ثالثی را که اصالت آن از سوی شرکت بیمه ذی‌ربط کتباً مورد تأیید قرار گرفته است تا میزان مندرج در بیمه‌نامه به عنوان وثیقه قبول نمایند». این نوشتار در دو بخش ارائه می‌شود. ابتدا در بخش اول قواعد عمومی وثیقه بیمه‌نامه را بررسی می‌کنیم تا بتوانیم در بخش دوم آثار حقوقی آن را به دست آوریم.

۱. قواعد عمومی توثیق بیمه‌نامه

۱-۱. جایگاه بیمه‌نامه در توثیق قانونی

۱-۱-۱. توثیق الزامی

توثیق از جمله به اطمینان کردن، استوار کردن و محکم نمودن، معتمد داشتن و ثقه

۱. ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵ قانون بیمه... ۱۳۷۸ از برخی تخلفات رانندگی یاد می‌کند که ضرورت برخورد بیشتر، جهت بازدارندگی کیفری و مدنی را نشان می‌دهد.

2. Liability Insurance.

گفتن کسی و ثقه خواندن (معین، ۱۳۷۱: ۱۱۶۲) تعریف شده است. وثیقه‌های دین در حقوق مدنی (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۷۶)، توثیق اسناد در حقوق تجارت (ر.ک: اخلاقی، ۱۳۶۸: ۲۳-۱) و قرار تأمین وثیقه در حقوق کیفری، از معنای لغوی دور نیست و می‌توان یک روح مشترک را با عنوان «اطمینان داشتن» به استیفای حق یا وصول وجه سند یا حضور متهم، در میان آنها تصور نمود. دادرسی در حقوق کیفری، برخلاف بخش اعظم دعاوی مدنی، وابسته به «حیات» متهم در همه دعاوی و «حضور» متهم در دعاوی حق‌اللهی است (خدابخشی، ۱۳۸۷: ۹۸-۹۹)، از این رو برای حضور متهم باید چاره‌ای اندیشید. این امر در انواع قرارهای تأمین ظاهر و قرار وثیقه یکی از مهمترین انواع آنها محسوب می‌شود. حوادث رانندگی با برخی شرایط، جرم محسوب شده‌اند و مرتکب به عنوان متهم باید برای جبران خسارت زیان‌دیده و حضور در مراجع قضایی برای اعمال ضمانت اجرای مقرر، تضمینی ارائه دهد.

به طور عمده، مرجع قضایی، با صدور قرار کفالت و وثیقه، حضور شخصی را به عنوان کفیل یا تسلیم مالی را به عنوان توثیق لازم می‌داند و در مواردی که این امکان وجود نداشته باشد، چاره‌ای جز معرفی متهم به زندان وجود ندارد. در هر مورد که تناسب قرار تأمین با وضعیت متهم و جرم ارتكابی، به صدور قرار وثیقه منتهی می‌شود، باید مالی تسلیم شود. قانونگذار در ماده ۲۱ قانون، در این قاعده تغییری نداده و هرگز به مراجع قضایی، تکلیف صدور قرار تأمین وثیقه را ننموده است بلکه شأن نزول ماده ۲۱، با «حکومت»^۱ و جانشینی یک ماهیتی به جای ماهیت دیگر هماهنگ است؛ به این معنا که پس از صدور «قرار» وثیقه و به شرط آنکه مرجع قضایی این قرار را متناسب دانست، بیمه‌نامه، معادل همان مال مورد نظر خواهد بود و به عنوان مصداقی جهت ایجاد تضمین تحویل مال مورد وثیقه عمل خواهد کرد. بنابراین امری که در ماده ۲۱ قانون الزامی است پذیرش بیمه‌نامه به عنوان مصداق وثیقه و اعتبار دادن به توثیق ناشی از آن است نه اینکه قرار تأمین

۱. هرگاه امری مفسر و ناظر امری دیگر باشد، امر اول حاکم و امر دوم محکوم نام دارد و این حالت را حکومت می‌گویند که از مباحث دقیق اصول فقه است (برای ملاحظه بیشتر ر.ک: ولایی، ۱۳۸۴: ۱۷۸-۱۷۹).

برای حوادث رانندگی، لزوماً از نوع قرار وثیقه باشد. به عبارت دیگر ماده ۲۱ قانون، به نتیجه قرار توجه دارد نه به سبب آن.

نتیجه اینکه مرجع قضایی می‌تواند از قرار وثیقه بی‌نیاز گردد. بدین سان توثیق الزامی، متوجه نتیجه قرار تأمین است که الزام را متوجه مرجع قضایی در پذیرش بیمه‌نامه می‌کند نه اینکه الزامی برای صدور قرار وثیقه باشد هرچند در مواردی، این الزام متوجه صدور قرار نیز می‌شود اما این مورد استثناست و علت آن بیان خواهد شد.

۱-۱-۲. ماهیت بیمه‌نامه به عنوان وثیقه

«محاکم قضایی موظفند... بیمه‌نامه شخص ثالث را... به عنوان وثیقه قبول نمایند». بنابراین توثیق قانونگذار متوجه بیمه‌نامه است و از این حیث اعتبار بسیار قابل توجهی به آن داده شده است. اعتباری که تنها در حقوق حوادث رانندگی اثر ندارد و پا را فراتر گذاشته و مسیر توثیق اسناد مالی را به طور کلی هموار می‌نماید.

«بیمه‌نامه سندی است که به امضای بیمه‌گر و بیمه‌گذار می‌رسد و تجلی و تظاهر قرارداد بیمه می‌باشد» (محمودصالحی، ۱۳۷۶: ۹۲). قرارداد بیمه که به طور مستقیم، پیونددهنده تعهدات بیمه‌گر در مقابل بیمه‌گذار و مقابل اشخاص ثالث^۱ می‌باشد، خود را در سند مکتوبی^۲ نشان می‌دهد که دارنده آن از حقوق مالی قابل توجهی برخوردار می‌شود. آیا توثیق بیمه‌نامه به اعتبار قرارداد بیمه است یا ناشی از خود سند بیمه‌نامه می‌باشد؟ پاسخ این پرسش را در گفتار بعدی تشریح می‌کنیم و در اینجا بیان می‌داریم که در ماده ۲۱ قانون تنها اشاره به بیمه‌نامه ندارد بلکه «اعلام کتبی» اصالت بیمه‌نامه را هم ضروری دانسته است. بنابراین از یک سو اصل توثیق متوجه بیمه‌نامه می‌باشد (صرف نظر از قرارداد آن یا خود سند) و از سوی دیگر، فعلیت

۱. در برخی از انواع آن، در ابتدای انعقاد قرارداد بیمه، به صورت غیر مستقیم است و پس از حادثه، به صورت مستقیم می‌توان تعهد بیمه‌گر را مقابل ثالث ملاحظه نمود.

۲. علی‌رغم اشاره ماده ۲ قانون بیمه ۱۳۱۶ به اینکه «عقد بیمه و شرایط آن باید به موجب سند کتبی باشد و سند مزبور موسوم به بیمه‌نامه خواهد بود»، نمی‌توان این عقد را تشریفات دانست (در این مورد ر.ک: بابایی، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۶).

یافتن چنین توثیقی، منوط به اعلام کتبی شرکت بیمه‌گر در تأیید اصالت بیمه‌نامه است. کدام یک از این دو سند، «سبب» است و کدام یک «شرط» توثیق محسوب می‌گردد؟ آیا می‌توان آخرین جزء این ماهیت را همان اعلام بیمه‌گر در اصالت بیمه‌نامه دانست و تا آن زمان از پذیرش بیمه‌نامه امتناع نمود یا وضعیت به گونه‌ای دیگر است و آنچه برای توثیق لازم است و آثار خود را به طور متفاوت دارد، همان بیمه‌نامه‌ای است که مرتکب (متهم) ارائه می‌دهد و عدم تأیید کتبی بیمه‌گر، «مانع» از پذیرش بیمه‌نامه خواهد بود^۱!

ایراد نشود که چرا با وجود اشاره ماده ۲۱ قانون و ضرورت تأیید اصالت بیمه‌نامه، ما همچنان تردید داریم و چرا اعلام کتبی بیمه‌گر را در فرایند توثیق قانونی مذکور لازم نمی‌دانیم؛ زیرا پاسخ داده می‌شود که هدف ما نفی اثر اعلام کتبی بیمه‌گر در اصالت بیمه‌نامه نیست، بلکه ماهیت این اعلام است؛ زیرا می‌دانیم که در مورد ارکان توثیق، هم ارائه بیمه‌نامه لازم است و هم اعلام مکتوب اصالت آن، اما بر این اساس که کدام یک سبب محسوب می‌شود تا با تحقق آن، آثار توثیق را اعمال نماییم و اینکه در صورت «سبب» نبودن اعلام کتبی اصالت بیمه‌نامه، آیا این تأیید، مانع توثیق محسوب است یا شرط توثیق، آثار حقوقی مختلف به وجود می‌آید. اگر اعلام کتبی بیمه‌گر، «شرط» تحقق باشد، با صرف ارائه بیمه‌نامه نمی‌توان توثیق را پذیرفت و در هر حال لازم به ارائه اعلام کتبی بیمه‌گر است اما اگر بیمه‌نامه، سبب باشد و اعلام کتبی بیمه‌گر، مانع از توثیق محسوب شود در این صورت به محض حضور متهم و ارائه بیمه‌نامه که به طور معمول همراه اوست، مرجع قضایی باید توثیق را کامل بداند مگر اینکه متعاقباً و پس از استعلام از شرکت بیمه، اصالت بیمه‌نامه انکار شود (مانع توثیق).

می‌دانیم که در سایر مواردی که وثیقه تودیع می‌شود ممکن است سند مالکیت

۱. تمایز سبب، شرط و مانع، در تحلیل ماهیت هر موضوع و اثبات آن آثار بسیار دارد؛ سبب به طور متعارف با نتیجه ملازمه دارد، شرط چنین ملازمه‌ای ندارد ولی با عدم نتیجه چنین ملازمه‌ای دارد. مانع تنها با عدم ماهیت مرتبط است و به صرف تردید در اینکه مانعی وجود دارد، در آن ماهیت تردیدی نمی‌شود مگر اینکه با دلیل ثابت شود که مانع به وجود آمده است.

نیز مجعول باشد یا فردی با جعل شناسنامه، خود را صاحب سند معرفی نماید و توثیق، با معرفی مال غیر به عمل آید؛ از سوی دیگر، عدم اصالت، امری خلاف اصل می‌باشد و نمی‌توان آن را از مقام «مانعیت» به شأن «شرطیت» ترقی داد و امر خلاف اصل را یکی از «شرایط» ماهیت توثیق دانست. می‌دانیم که بیمه‌نامه مظهر تعهدات بیمه‌گر است و اگر اعلام کتبی بیمه‌گر این اندازه اهمیت داشته باشد که «شرط» توثیق محسوب شود، به این معناست که اعلام اراده تعهد را محور این امر قرار داده‌ایم و اصول حاکم بر تعهدات چنین نتیجه‌ای را تأیید نمی‌کند (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۹). منظور از اصالت تنها «صدور» سند می‌باشد و همچنان که خواهیم گفت به «مفاد» تعهدات بیمه‌گر و بیمه‌نامه ارتباطی ندارد. صدور بیمه‌نامه هم تنها با جعل مغایرت دارد و این امری مخالف اصل و استثنا می‌باشد. حال باید پرسید که آیا پس از ملاحظه بیمه‌نامه به عنوان سبب توثیق و با توجه به اینکه اصل بر اصالت آن است باید متهم را بازداشت نمود تا اعلام کتبی اصالت بیمه‌نامه واصل شود یا باید بر حسب متعارف امور اقدام کرد و تنها در صورت «اعلام عدم اصالت»، توثیق را منتفی دانست. ممکن است ایراد شود که اگر متهم پس از «اعلام عدم اصالت» متواری شد چه باید کرد؟ اما این پرسش نمی‌تواند ناقض استدلال باشد؛ زیرا همین امر در مورد سند مالکیت مجعول یا دارنده شناسنامه مجعول هم مطرح است و کسی در مورد اصالت این اسناد تردیدی ندارد و به دنبال احراز این امر نیست که ابتدا اصالت آنها را به دست آورد. در وضعیت فعلی پیشنهاد می‌شود پس از اعلام حادثه رانندگی، همراه با دستور بررسی حادثه و اخذ نظر کارشناس، موضوع از شرکت بیمه هم استعلام شود تا پس از فراهم آمدن موجبات توثیق، بیمه‌نامه همراه با پاسخ شرکت بیمه‌گر، مجموعاً اطمینان مرجع قضایی را جلب نمایند.

ممکن است ایراد دیگری به راه حل مذکور مطرح نمایند؛ به این صورت که بیمه‌گر با اعلام اصالت بیمه‌نامه، فقط صدور سند و انتساب آن را به خود اعلام نمی‌کند بلکه می‌پذیرد که تعهداتی هم دارد و حاضر است از این تعهدات به عنوان توثیق استفاده شود، بنابراین تا زمان اعلام بیمه‌گر چگونه می‌توان چنین پذیرشی را محرز دانست؟ پاسخ این ایراد در ادامه بیان خواهد شد.

۲-۱. حقوق ناشی از بیمه‌نامه در فرایند توثیق

برای اینکه بدانیم علت اعتباری که قانونگذار به بیمه‌نامه داده و توثیق آن را برای مرجع کیفری الزامی نموده است چیست؟ باید به تحلیل حقوق ناشی از بیمه‌نامه بپردازیم و روابط چندگانه آن را بررسی نماییم. این بحث نه تنها برای شناخت آثار وثیقه نهادن بیمه‌نامه مناسب است، بلکه راه را برای توسعه اعتبار مذکور در سایر موارد و نگرش دوباره‌ای به رهن حق دینی و به طور کلی مال غیر ملموس هموارتر می‌کند.

۱-۲-۱. مبنای توثیق بیمه‌نامه

بی‌گمان باید نوعی حق مالی و قابل اعتماد از بیمه‌نامه ناشی شود که قانونگذار را به پذیرش آن به عنوان وثیقه، ترغیب نموده است. آیا حق ناشی از بیمه‌نامه، عینی است یا دینی؟ آیا خود بیمه‌نامه اعتبار دارد و چهره حق، در سند تشخیص یافته است و وصف تجریدی دارد یا به اعتبار مفاد سند بیمه‌نامه، چنین توثیقی پذیرفته شده است؟ آیا ماهیت توثیق، نوعی توقیف طلب نزد شخص ثالث است که اعتبار وثیقه عینی به آن داده شده یا اینکه به واقع، ماهیت وثیقه معمولی را دارد؟

یکی از آثار بسیار مهم بیمه‌های مسئولیت، تحقق نوعی حق مالی برای بیمه‌گذار است. نه تنها حق بیمه‌گذار به عنوان یکی از طرفین قرارداد بیمه، پس از تحقق کامل قرارداد قابل تصور است و احساس آرامش ناشی از تأمین آینده برای وی به وجود می‌آید، بلکه نوعی تعهد نیز برای بیمه‌گر در جبران خسارت بیمه‌گذار در صورت رجوع زیان‌دیده به او و کاهش دارایی بیمه‌گذار نیز قابل تصور است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۵۵ و بعد). حادثه رانندگی تعهدات معلق بیمه‌گر را به حالت منجز در می‌آورد و از آن پس، چهره حق و تکلیف معکوس می‌شود. بیمه‌گذار حق دارد اجرای تعهدات بیمه‌گر را بخواهد و بیمه‌گر هم چون حق بیمه‌ها را دریافت نموده و ریسک را پذیرفته است، باید از عهده تعهد برآید. در قرارداد بیمه، هدف، جبران خسارت زیان‌دیده است و با تحقق حادثه رانندگی (خطر مبنای قرارداد) تعهدات بیمه‌گر دو حالت می‌یابد؛^۱ از یک سو متوجه بیمه‌گذار است و از سوی دیگر به زیان‌دیده

مرتبط می‌شود و گویی رابطه‌ای مستقیم بین آنها ترسیم می‌گردد که هرچند در ظاهر مخالف اصل نسبی بودن قرارداد است اما در واقع این گونه نیست و بر اساس توجیحات منطقی، با چنان اصلی مغایرت نخواهد داشت. بر اساس حق «مستقیم و ویژه» زیان‌دیده (ر.ک: همان: ۱۷۰ و بعد؛ خدابخشی، ۱۳۸۱: ۱۴۱؛ Borham: 1976)، ایرادات و دفاعیات بیمه‌گر، بعد از تحقق حادثه رانندگی، در مقابل زیان‌دیده قابل طرح و استناد نیست؛ خسارت زیان‌دیده باید پرداخت شود و اگر ادعایی وجود دارد، بیمه‌گر باید به بیمه‌گذار مراجعه نماید و بر اساس قاعده استفاده بلاجهت یا قائم‌مقامی قانونی، وجوهی را که به زیان‌دیده داده است، دریافت نماید.

بنابراین باید دید مبنای توثیق بیمه‌نامه به کدام یک از این حقوق باز می‌گردد تا بر اساس آن، آثار توثیق را در مبحث بعدی به دست آوریم.

۱-۲-۲. بیمه‌نامه یا مفاد آن

بیمه‌نامه، سند قرارداد است و بر اساس قواعد اسناد و قراردادهای نقش اثباتی دارد و تمام حیثیت حقوقی خود را از قرارداد به دست می‌آورد؛ زیرا حاکی از حق قراردادی می‌باشد. تحولات حقوق تجارت، نوعی تشخیص و چهره ثبوتی به اسناد بازرگانی داده است که بر اساس آن، اعتبار مربوط به آنها از خود سند به وجود می‌آید و پایگاه معاملاتی اولیه، نقش مستقیم در اعتبار ظاهری سند ندارد؛ همان که به اصل تجریدی بودن سند معروف است و در گسترده‌ترین حالت آن، نه تنها ایرادات و دفاعیات صادرکننده سند را نمی‌پذیرد، بلکه به سند، چهره مال مستقل می‌دهد و آثار مهمی را در حقوق خصوصی و کیفری به دنبال خواهد داشت؛ امکان توثیق سند یکی از این موارد است؛ زیرا وقتی خود سند ارزش مستقل داشته باشد و حاکی از حق دیگری نباشد یا آن حق، در مقایسه با سند، نقش قابل توجهی نداشته باشد، قواعد رهن و وثیقه را می‌توان در مورد سند اعمال نمود. در مرحله پایین‌تر از این تحول هم، تحویل سند را در حکم قبض مفاد آن می‌دانند و احتمال عدم دسترسی به حقوق سند را نادیده می‌گیرند.^۱

۱. در مورد جانشینی سندی مانند چک یا سفته به جای وجه نقد و ایفای تعهدات ناشی از قرارداد با تحویل دادن این اسناد (ر.ک: کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۱۳۷۶: ۲۲۶-۲۲۸).

۱. مفهوم حادثه در بیمه‌های مسئولیت، مفهومی کاملاً تخصصی است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۴۲).

بیمه‌های مسئولیت از منبع قدرتمند و قابل اطمینانی ارتزاق می‌کنند، روابط بازرگانی در مورد آنها قابل اعمال است (ماده ۲ قانون تجارت) و نقش حمایتی و حاکمیت اداری و قضایی در ایفای تعهدات بیمه‌گران در مورد آنها تأکید و دنبال می‌شود. از این رو، به سند بیمه‌نامه اعتباری هم‌سنگ سند مستقل می‌دهند که تحویل آن به بیمه‌گذار، اطمینان دارنده را به در اختیار داشتن حقی نزدیک به حق عینی، جلب می‌کند و ارائه آن به زیان‌دیده نیز احساس آرامش او را در وصول خسارت به دنبال دارد. با این تحلیل آیا توثیق بیمه‌نامه به اعتبار «خود سند» است یا هنوز باید متوجه «مفاد سند» و به دنبال توجیه مناسب دیگری بود؟

مشکل آن است که اگر توثیق بیمه‌نامه به جهت مفاد سند باشد، یا باید امکان رهن حق دینی را پذیرفت یا در حق ناشی از بیمه‌نامه دخالت کنیم و آن را در حکم حق عینی قابل توقیف بدانیم و یا ماهیت توثیق را «توقیف طلب نزد ثالث» دانست که قواعد وثیقه تا جایی که امکان‌پذیر باشد، در مورد آن اعمال خواهد شد. این احتمالات را به ترتیب بررسی می‌نماییم تا نتیجه‌گیری ما روشن‌تر باشد.

الف) چهره ثبوتی بیمه‌نامه و توثیق ناشی از آن

برای این راه حل که قانون، به بیمه‌نامه اعتبار مستقل داده و صرف نظر از حق درونی آن، امکان توثیق را پذیرفته است می‌توان این گونه استدلال نمود:

۱- بیمه‌گری نوعی معامله بازرگانی است و اسناد صادره در آن رابطه، از احکام اسناد تجاری تبعیت می‌کنند؛ همان‌طور که وثیقه سهام شرکت (ماده ۱۱۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت) ممکن است یا چک، سفته و برات را به عنوان تضمین تسلیم کنند، بیمه‌نامه هم دارای اوصاف تجریدی است و توثیق آن منطقی به نظر می‌رسد.

۲- در ماده ۲۱ قانون از قبول کردن «بیمه‌نامه شخص ثالث» «به عنوان وثیقه» یاد شده است و ظهور عبارت دلالت بر اعتبار سند دارد نه اینکه حاکی از حق دیگری باشد. ضرورت «اعلام کتبی بیمه‌گر» نیز همان‌طور که گفته شد، به جهت احراز انتساب «سند» به شرکت بیمه‌گر است نه اینکه لزوم وجود حق نزد بیمه‌گر را نشان دهد. به ویژه اینکه در مواردی، بیمه‌گذار هیچ حقی نسبت به بیمه‌نامه ندارد اما

شرکت بیمه همچنان متعهد به پرداخت خسارت زیان‌دیده خواهد بود.

۳- عبارت «تا میزان مندرج در بیمه‌نامه» قرینه‌ای بر خلاف این استدلال محسوب نمی‌شود تا گفته شود این عبارت نشان می‌دهد که قانون، به مفاد سند توجه بیشتری دارد تا به خود سند؛ زیرا پاسخ می‌دهیم بر اساس هر ماهیتی که برای توثیق قائل شویم، بیشتر از مفاد سند نمی‌توان بیمه‌گر را متعهد دانست و اینکه اعتبار توثیق به جهت خود سند یا مفاد آن یا علت دیگری باشد هیچ فرقی در آن ندارد. بنابراین از عبارت مذکور نمی‌توان مصادره به مطلوب نمود و آن را قرینه مخالف به شمار آورد.

بدین سان ممکن است گفته شود که بیمه‌نامه مانند «سند» مستقلی است که به خودی خود قابل توثیق می‌باشد و اعتباری وابسته به «سند» یا تعهدات درونی بیمه‌نامه ندارد و باید بر این اساس به بررسی آثار آن پرداخت.

ب) توثیق حق و مفاد بیمه‌نامه

برای اینکه بتوان حقی را به عنوان مبنای توثیق دانست باید: ۱- حق مالی باشد؛ ۲- حکایت از عینیت مالی داشته باشد (حق عینی یا در حکم آن)؛ ۳- به قبض عرفی درآید؛ ۴- سبب دین فراهم باشد. این شرایط از مواد ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۴ و ۷۷۵ قانون مدنی به دست می‌آید و وثیقه در حقوق کیفری نیز اعمال همان قواعد را ایجاب می‌کند.

در مورد حادثه رانندگی، به محض تحقق، حق مستقیم زیان‌دیده در مقابل بیمه‌گر به وجود می‌آید؛ تحقق حق زیان‌دیده به معنای تعهد مسئول حادثه است و به این جهت، وثیقه نهادن ایرادی ندارد؛ زیرا تعهد مسئول «در ذمه است» (ماده ۷۷۵ قانون مدنی) و حتی اگر هنوز اصل مسئولیت ثابت نشده باشد، سبب آن با توجه به دلایل اتهام که متوجه مسئول حادثه است تحقق یافته و توثیق، از این حیث، بلااشکال است. حق ناشی از بیمه‌نامه، بی‌گمان مالی محسوب می‌شود و هدف بیمه‌گذار (مسئول حادثه) هم بر آن بوده تا خسارت مالی و بدنی، در هنگام تحقق چنین مسئولیتی جبران شود. دو رکن دیگر باقی می‌ماند، یکی عینی بودن و دیگری امکان قبض که عبور از آنها و توجیه توثیق، آسان نیست. ماده ۷۷۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد «مال مرهون باید عین معین باشد و رهن دین و منفعت باطل است» و اگر

توثیق به اعتبار مفاد بیمه‌نامه باشد چگونه می‌توان از حق عینی سخن گفت؟ در این خصوص، نویسندگان از امکان یا عدم امکان رهن سخن گفته‌اند و رویکردهای فقهی را بر اساس نیازهای جامعه و تحولات حقوقی تفسیر نموده‌اند (کاتوزیان، عقود معین، ۱۳۷۶: ۵۴۰-۵۴۱). در مورد امکان قبض و اقباض مال موضوع رهن و وثیقه، آنچه مهم است استیلا عرفی است به نحوی که در زمان نیاز، بتوان از محل رهن، استیفای حق نمود. به همین دلیل، قبض که مفهومی عرفی است به دو جهت تعدیل و با روابط حقوقی و اجتماعی حاضر تطبیق داده شده است؛ از یک سو، اصل قبض، چون در فقه نیز مخالفان قابل توجهی دارد (همان: ۵۰۷-۵۱۰)، در برخی مقررات نادیده گرفته می‌شود و برای مثال رهن مال غیر منقول، در مقررات ثبتی هیچ‌گاه با قبض طلبکار و تخلیه ملک توسط بدهکار (راهن) همراه نیست (ر.ک: ماده ۴۲ قانون دریایی). از سوی دیگر رویه قضایی و دکترین، مفهوم بسیار موسعی از قبض ارائه می‌کنند و استیلا عرفی را به جای آن قرار می‌دهند. برای مثال، وثیقه‌گذار مبلغی پول در حساب دادگستری نزد یکی از بانکها تودیع نموده و فیش پرداخت آن را ارائه می‌دهد. ممکن است ایراد شود که این وجه، در حساب باقی است و بانک حق کم کردن آن را ندارد اما این ایراد خیالی بیش نیست؛ زیرا بانک هیچ‌گاه وجوه نقد را نگهداری نمی‌کند و وجوه تمام حسابها، در مجموعه‌ای مشترک با عنوان اعتباری جمع می‌شود و تسعیر می‌یابد به نحوی که از آن به تبدیل تعهد هم یاد شده است.^۱ بنابراین وجه سپرده شده نه به قبض در می‌آید و نه عین معین است و تنها طلبی است که وثیقه‌گذار (راهن) از بانک دارد و مرتهن (مرجع قضایی) بر آن طلب، مقدم است. پس نباید از توثیق حق ناشی از بیمه‌نامه در عجب بود. آیا با توجه به الزامات قانونی که متوجه بیمه‌گران است و حقوق بیمه‌گذاران و زیان‌دیدگان را تضمین نموده، به آنها حق تقدم داده، قواعد ورشکستگی شرکتهای بیمه را مانند بانک وضع نموده^۲ و برای تشکیل شخصیت حقوقی آنها، تضمینهای اساسی اخذ شده است،^۳ می‌توان تردید نمود که هیچ

۱. در مورد وضعیت حساب جاری و امکان تبدیل تعهد در آن، ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۱۶.

۲. قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری، مصوب ۱۳۵۱/۳/۳۰، مواد ۵۱-۵۳.

۳. همان، مواد ۳۶ و ۴۶.

پولی نزد بیمه‌گر باقی نیست و یک طلب یا بدهی ساده است که ممکن است قادر به پرداخت باشد یا نباشد؟ آیا بیمه‌نامه نقشی کمتر از فیش صادره از بانک دارد؟ این نکته را هم باید متذکر شد که تمام تلاشها برای توجیه توثیق «حق» به جای «عین معین»، در حقوق مدنی مطرح است که ماهیت حقوقی «رهن» را در خود دارد اما اگر گفته شود که ماهیت «وثیقه» در حقوق کیفری متمایز از رهن می‌باشد و هدف، تنها ایجاد اطمینان به حضور متهم و جبران خسارت زیان‌دیده است، در آن صورت آسان‌تر می‌توان به توثیق بیمه‌نامه پرداخت. به ویژه که قرارهای دیگر تأمین (الزام به حضور، کفالت) هر دو، نوعی تعهد مدنی صرف ایجاد می‌کنند که اولی عهده خود متهم و دومی عهده شخص ثالث (کفیل) است و به اعتبار همین تعهدات می‌باشد که اطمینان برای مرجع قضایی به وجود می‌آید. بنابراین وثیقه نهادن نیز تضمینی مطمئن‌تر است که در قالب یک مال قابل تعیین و دسترس ظاهر می‌شود اما در هر حال، تعهد، رکن اصلی این وثیقه می‌باشد و همین امر برای مراجع قضایی کفایت می‌نماید.

ح) توقیف طلب نزد ثالث

در مواد ۸۷ تا ۹۵ قانون اجرای احکام مدنی (۱۳۵۶) و در مقررات تأمین خواسته از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی به نهاد «توقیف طلب متعهد در نزد شخص ثالث» اشاره و احکام آنها مقرر شده است. طلب اعم از مال معین یا حق مالی می‌باشد و شخص ثالث می‌تواند امین صرف باشد یا طرف قرارداد مالی با بدهکار و می‌تواند نسبت به مالی که نزد خود دارد حق تقدم داشته باشد (برای مثال فروشنده، نسبت به ثمن بیع که هنوز تسلیم ننموده است حق حبس دارد) یا فاقد چنین امتیازی باشد. در تمام این حالات، پس از اقرار ثالث به اینکه مالی از خواننده دعوی نزد خود دارد، متعهد است آن مال را تنها با اجازه مرجع توقیف‌کننده طلب، اداره کند و حق ندارد آن را به خواننده تحویل دهد تا زمانی که وضعیت خواهان و حقانیت یا عدم آن به اثبات برسد. در تأمین خواسته، فرایندی مانند رهن مدنی صورت می‌گیرد و نوعی توثیق را می‌توان تصور کرد؛ زیرا توقیف مال، مقدمه وصول به حق محسوب می‌شود و لازم است که مال، قابلیت توقیف و

استیفای حق را داشته باشد. وقتی طلبی نزد ثالث توقیف شود به این معناست که در استیلای عرفی خواهان و مرجع قانونی باقی می‌ماند و ثالث، مسئولیت جدیدی در قبال آنها می‌یابد که جدای از مسئولیت اولیه در قبال خواننده (طلبکار از ثالث) می‌باشد. مالی که نزد ثالث توقیف می‌شود اگر عین معین باشد هرگز به قبض کسی در نمی‌آید و اگر مال کلی مانند وجه نقد باشد نیز همین وضع را دارد اما در هر دو حالت، نوعی توثیق و اقدام احتیاطی قابل تصور است. بدون تردید، بر اساس قرارداد بیمه، بیمه‌گر متعهد است به محض تحقق حادثه، خسارت وارد به بیمه‌گذار را جبران کند. جبران این خسارت از طریق پرداخت به زیان‌دیده است اما این پرداخت، با هدف سقوط تعهد بیمه‌گذار (مسئول حادثه) در قبال زیان‌دیده صورت می‌گیرد و بنابراین می‌توان چنین گفت که با حادثه رانندگی و مدیون شدن مرتکب، زیان‌دیده می‌تواند طلب او را از بیمه‌گر توقیف نماید یا مرجع قضایی می‌تواند برای تعهد حضور متهم، همین طلب را نزد بیمه‌گر توقیف کند و به توثیق مورد نظر نائل آید و همان‌طور که گفته شد ضرورتی به قبض نیز وجود ندارد یا لازم نیست که طلب مرتکب، به صورت حق عینی باشد و حق دینی نیز کافی می‌باشد.^۱

۱-۲-۳- توثیق بیمه‌نامه در موارد مشابه

حکم ماده ۲۱ قانون که در «حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی» تشریح شده است بی‌سابقه نیست و توثیق ناشی از بیمه‌نامه در حقوق بیمه به ویژه بیمه‌های اشخاص مانند بیمه عمر سابقه دارد. به موجب ماده ۶۵ قانون بیمه قانون ۱۹۳۰ (۱۳ ژوئیه) فرانسه که در ماده ۱۰-۱۳۲ قانون بیمه‌های این کشور نیز عیناً تکرار شده است «بیمه‌نامه عمر را خواه از طریق الحاقیه یا ظهننویسی به عنوان تضمین، در صورتی که بیمه‌نامه به صورت حواله کرد باشد و خواه با رعایت تشریفات ماده ۲۰۷۵ قانون مدنی، با تنظیم سند، می‌توان مورد وثیقه قرار داد».^۲ دریافت وام از ذخیره ریالی

۱. برای توقیف طلب در حقوق فرانسه علیه بیمه‌گر ر.ک: Ledoux, 1997: 133-135

2. La Police d'assurance peut être donnée engage soit par avenant, soit par endossement, à titre de garantie si elle est à ordre, soit par acte soumis aux formalités de L'article 2075 du Code Civil.

بیمه‌نامه هم هر چند توجیحات مختلفی از آن شده است (مشایخی، ۱۳۵۳: ۳۲۵-۳۳۳)^۱ لکن همراه با نوعی توثیق درونی به سود بیمه‌گر است. بیمه‌گذار به جای بازخرید قرارداد و پایان دادن به آن، می‌تواند معادل آنچه با پرداخت حق بیمه، ذخیره کرده است وام دریافت کند و همان بیمه‌نامه نوعی وثیقه پرداخت اقساط وام محسوب می‌شود. در ایران، این عملکرد مرسوم است و توثیق ناشی از بیمه‌نامه مورد تردید قرار ندارد. در همین جا می‌توان گفت اگرچه حکم ماده ۲۱ قانون ویژه حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی است، علت حکم مقرر در آن می‌تواند در بیمه‌های مسئولیت مدنی کارفرمایان، پزشکان و بیمه‌های مسئولیت حرفه‌ای دیگر استفاده شود و به باور ما بیمه‌گر در این فرایند، حق مخالفت ندارد و آنچه مهم است درخواست بیمه‌گذار (مسئول حادثه) و ارائه بیمه‌نامه می‌باشد و همان‌طور که گفته شد «اعلام کتبی بیمه‌گر»، شرط توثیق نیست، بلکه «اعلام بیمه‌گر» مانع از توثیق محسوب می‌گردد.

۱-۲-۴. ماهیت توثیق با توجه به حقوق ناشی از بیمه‌نامه

بیمه‌های مسئولیت به طور کلی و مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی به طور خاص، حقوق چندگانه‌ای را برای طرفین و اشخاص ذی‌نفع به وجود می‌آورند. در رابطه بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار با توجه به اصل لزوم عقود و لازم‌الاتباع بودن تعهدات آن، حق بیمه‌گر در وصول و تملک حق بیمه‌ها و حق بیمه‌گذار در پوشش مسئولیت خود هنگام تحقق خطر موضوع بیمه، محقق است. در رابطه بین بیمه‌گذار و زیان‌دیده، حق استناد به قرارداد بیمه و استفاده از طرفیت آن در جبران خسارت او و در رابطه بین زیان‌دیده و بیمه‌گر، حق دریافت خسارت از بیمه‌گر بر اساس نوعی قائم‌مقامی عمومی از بیمه‌گذار و حق استناد بیمه‌گر به پرداخت خسارت به زیان‌دیده در مقابل بیمه‌گذار (مسئول حادثه) از این قبیل حقوق می‌باشد.

ماهیت وثیقه بدون توجه به روابط حقوقی مذکور قابل درک نیست و آثار آن را هم باید بر اساس حدود و ثغور حقوق مذکور به دست آورد. درست است که

۱. برای ملاحظه بحث دریافت وام و وثیقه ناشی از آن در بیمه عمر ر.ک:

Liebenberg, Carson and Hoyt, *The Demand for Life Insurance Policy Loans*, in: <http://ssrn-id1334711.pdf>.

زیان‌دیده پس از حادثه رانندگی، حق مستقیمی در قبال بیمه‌گر به دست می‌آورد و حق رجوع به او را دارد اما این رجوع را مستقل از رابطه خود با بیمه‌گذار مسئول یا بیمه‌گر انجام نمی‌دهد و نوعی رابطه معاوضی و مبتنی بر اسباب متقابل را می‌توان در این میان احساس کرد. سبب رجوع هر یک از اشخاص (بیمه‌گذار، زیان‌دیده) در تعهدات و حقوق دیگری نهفته است و بیمه‌نامه، جامع این اسباب محسوب می‌شود. بنابراین اگر مرتکب جرم از توثیق بیمه‌نامه سود می‌برد اولاً تنها در حدود حقی که دارد چنین بهره‌ای خواهد برد ثانیاً آن را مانند مال مستقل خود وثیقه نمی‌دهد، بلکه توثیق بیمه‌نامه به حقوق دیگران هم مرتبط می‌شود و قواعد ضبط وثیقه را در صورت تخلف، متمایز از سایر وثیقه‌ها می‌کند ثالثاً چون بیمه‌گذار نیز در بیمه‌نامه حقوقی دارد، توثیق بیمه‌نامه مانند رهن مستعار یا توثیق مال غیر جهت تأمین آزادی متهم نخواهد بود و قواعد این ماهیات، در مورد بیمه‌نامه اعمال نمی‌شود.

بدین سان وثیقه بیمه‌نامه، توقیف طلب نیست اما احکام آن را می‌پذیرد و در کنار توثیق حقوق ناشی از آن، باید آثار توقیف طلب نیز توجه داشت.

۲. آثار حقوقی توثیق بیمه‌نامه

بیمه‌نامه باید به عنوان وثیقه پذیرفته شود و نه تنها قواعد منطقی و تفسیر صحیح، آن را ایجاب می‌کند، بلکه الزام قانونی (ماده ۲۱ قانون) نیز جای هیچ اختیاری را برای مراجع قضایی باقی نگذاشته است (الزام به قبول توثیق بیمه‌نامه نه الزام به صدور قرار تأمین وثیقه). بنابراین بر اساس تحلیل روابط حقوقی چندگانه آن، در این قسمت، آثار پس از توثیق را بررسی و پاسخ پرسشهای زیر را روشن می‌نماییم:

۱- وثیقه‌گذار چه کسی است؟ ۲- حدود تعهدات شرکت بیمه‌گر چیست و نقش وی در فرایند توثیق چگونه است؟ ۳- آیا ماده ۲۱ قانون همان‌طور که ظاهر آن نشان می‌دهد مطلق است و در همه موارد باید توثیق بیمه‌نامه را پذیرفت؟ ۴- حق تقدم زیان‌دیده در وصول خسارت چگونه است؟ ۵- تضمین حضور متهم و ضبط وثیقه چه قواعدی دارد و آیا توثیق بیمه‌نامه در ابتدای دادرسی کیفری و انتهای آن، از این حیث متفاوت است؟

برای پاسخ به این سؤاها، آثار توثیق بیمه‌نامه را در ارتباط با بیمه‌گذار، بیمه‌گر و شخص ثالث زیان‌دیده مطرح می‌نماییم و این نکته را یادآور می‌شویم که هر چند یک طرف توثیق، مرجع قضایی است و باید قواعد قضایی آن را هم بررسی کرد ولی این قواعد چون بازتاب وضعیت بیمه‌گذار (مسئول حادثه) می‌باشد، ما را بی‌نیاز از آثار توثیق در رابطه با مرجع قضایی می‌کند؛ این آثار، همزمان با بررسی وضعیت بیمه‌گذار و زیان‌دیده بیان خواهد شد.

۱-۲. توثیق در رابطه با بیمه‌گذار

۱-۱-۲. وثیقه‌گذار یا بیمه‌گذار

در ماده ۲۱ قانون به امکان توثیق بیمه‌نامه و اعلام کتبی بیمه‌گر در مورد اصالت بیمه‌نامه اشاره شده است. بیمه‌گر متعهد به پرداخت خسارت می‌باشد و این قرینه‌ها ممکن است چنین تداعی کنند که بیمه‌گر، وثیقه‌گذار است و باید قرار قبولی وثیقه را تأیید کند یا حداقل همان اعلام کتبی وی، به منزله تأیید قرار قبولی وثیقه هم می‌باشد اما این تفسیر، غیر اصولی و غیر قابل پذیرش است؛ زیرا نه تنها قراردادن تعهد حضور متهم بر عهده بیمه‌گر با اصل براءت مغایر است و از هیچ جای قانون و قرارداد بیمه نمی‌توان چنین تعهدی را پذیرفت، بلکه از نظر عملی هم این امکان وجود ندارد؛ زیرا بیمه‌گر در قالب شرکت فعالیت می‌کند و مدیر عامل یا دارنده اختیارات مالی شرکت را نمی‌توان در تمام مراجع قضایی حاضر کرد و قرار قبولی را به تأیید او رساند. اعلام کتبی بیمه‌گر نیز چیزی بیشتر از صدور بیمه‌نامه و اصالت داشتن سند و تعهد اجمالی بیمه‌گر، بر اساس قرارداد بیمه نیست و مانند اعلام ثالث در وجود طلب نزد وی تلقی می‌شود بنابراین هرگز نمی‌توان بیمه‌گر را وثیقه‌گذار دانست. در حقیقت، مرتکب جرم مکلف است تضمین مورد نیاز مرجع قضایی را فراهم آورد و اگر قرار مورد نظر این مرجع، وثیقه باشد، باید مالی معرفی کند. او می‌تواند وجه نقد از اموال خود تودیع کند یا توقیف مال غیر منقول خود را بخواهد. نکته دیگر اینکه وثیقه‌گذار، همان متهم است و غیر او نمی‌تواند با ارائه بیمه‌نامه، چنین توثیقی را درخواست کند. به عبارت دیگر، بیمه‌نامه هر چند برای هر فردی که

آن را در اختیار دارد حق ایجاد می‌کند اما حق هر کس وابسته به بیمه‌نامه خود اوست و فقط مسئول حادثه می‌تواند از پوشش بیمه‌نامه خود بهره‌برداری نماید و نکته دیگر آنکه وقتی ما از عبارت «بیمه‌گذار» یاد می‌کنیم تنها به فردی که در ابتدا قرارداد بیمه را منعقد نموده است اشاره نداریم بلکه چون مطابق ماده ۳ قانون «از تاریخ انتقال وسیله نقلیه کلیه تعهدات ناشی از قرارداد بیمه موضوع این قانون به منتقل‌الیه و وسیله نقلیه منتقل می‌شود و انتقال‌گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه، بیمه‌گذار محسوب خواهد شد».

۲-۱-۲. فقدان حق بیمه‌گذار در فرایند توثیق

در حوادث رانندگی، جز در موارد مندرج در ماده ۷ قانون، پوشش مطمئنی برای جبران خسارت زیان‌دیده وجود دارد. این پوشش یا از طریق بیمه‌نامه و شرکت بیمه‌گر و یا از طریق طرح تکمیلی بیمه مسئولیت^۱ که در قانون، ظهور در صندوق دارد، می‌باشد. بنابراین جبران خسارت، ارتباطی مستقیم با داشتن بیمه‌نامه ندارد و رابطه آنها عموم و خصوص مطلق است (جبران خسارت همیشه از محل بیمه‌نامه ممکن است اما فقدان بیمه‌نامه به معنای عدم جبران خسارت نیست). صندوق وقتی دخالت می‌کند که پوشش بیمه‌ای به جهات مذکور در ماده ۱۰ قانون موجود نباشد و در این موارد با رعایت تبصره ۱ ماده ۱۰ و تبصره‌های ماده ۴ قانون به جبران خسارت اقدام می‌کند. البته صندوق نقش واسطه پرداخت خسارت را دارد و پس از این پرداخت، مطابق نص بند ج ماده ۱۱ قانون و ملاک ماده ۳۰ قانون بیمه (۱۳۱۶) به مسئول حادثه رجوع و مبالغ پرداختی را وصول می‌کند. از سوی دیگر، داشتن بیمه‌نامه به معنای پوشش برای همه مسئولان حادثه رانندگی نیست؛ زیرا طبق ماده ۶ قانون «در صورت اثبات عمد راننده در ایجاد حادثه توسط مراجع قضایی و یا رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان مؤثر در وقوع حادثه یا در صورتی که راننده مسبب فاقد گواهی‌نامه رانندگی باشد یا گواهی‌نامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد شرکت بیمه موظف است بدون اخذ تضمین،

1. Complementary Schems to Liability Insurance.

خسارت زیان‌دیده را پرداخت نموده و پس از آن می‌تواند به قائم‌مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی برای استرداد تمام یا بخشی از وجوه پرداخت‌شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه نماید». بنابراین در این حالات، علی‌رغم وجود بیمه‌نامه، مسئولیت اولیه و نهایی، متوجه مسئول حادثه است و به عبارت دیگر، برای مسئول حادثه نمی‌توان حقی را در بیمه‌نامه تصور کرد. آیا در موارد ماده ۶ قانون یا جایی که اساساً هیچ بیمه‌نامه‌ای وجود ندارد و صندوق دخالت می‌کند نیز می‌توان ماده ۲۱ قانون را اعمال نمود؟

ممکن است در ظاهر بین ماده ۶ و صندوق تفاوت گذاشت و در حالت اول چون بیمه‌نامه وجود دارد امکان توثیق را پذیرفت ولی در مورد صندوق چون «بیمه‌نامه» وجود ندارد، چنین امکانی را رد کرد اما این تفسیر ظاهری قابل پذیرش نیست و باید تحلیل دیگری مطرح کرد. برای این امر باید مبنای واقعی توثیق بیمه‌نامه را بررسی مجدد نمود و به این نتیجه رسید که آیا این مبنای، در فروض مورد نظر ما وجود دارد یا خیر؟

آنچه در مبحث اول گفته شد در این قسمت به ما کمک می‌کند؛ بیمه‌گذار، پیش از حادثه به فکر تأمین و پوشش بیمه‌ای بوده است و قانون هم از انتظار مشروع او پس از حادثه حمایت می‌کند. بیمه‌گذار، هم قبل از حادثه و هم بعد از حادثه، حق قراردادی دارد و حقوق خود را در بیمه‌نامه استیفا می‌کند به نحوی که اگر خسارت را بپردازد می‌تواند از بیمه‌گر مسترد دارد. حال که چنین حقی دارد چرا نتواند با توثیق بیمه‌نامه، خود را از بازداشت برهاند و به مرجع قضایی اطمینان دهد که هم به قانون احترام گذاشته است و هم انتظار دارد در زمان رویداد اتفاقی، بهترین استفاده را ببرد و مصداق قاعده «من له الغنم فعليه الغرم» شود و قاعده «الخراج بالضمنان» را مورد استفاده قرار دهد. بنابراین توثیق بیمه‌نامه، بدون ارتباط با حقوق مسئول حادثه، قابل توجیه نیست و یکی از مظاهر این حق در وثیقه نهادن می‌باشد اما راننده‌ای که به جهت عمدی بودن ارتکاب جرم یا بدمستی و نظایر آن، حادثه رانندگی را به وجود آورده نه انتظار مشروع او قابل پذیرش است و نه مبنای حمایتی قانون در توثیق بیمه‌نامه به کمک او می‌آید.

۲-۲. توثیق در رابطه با بیمه‌گر

بیمه‌گر یک طرف تعهدات و آثار ناشی از توثیق بیمه‌نامه است. بحث از احکام مدنی و جزایی که علیه مرتکب حادثه رانندگی صادر می‌شود و بازتاب آنها در حقوق بیمه‌گر، مورد نظر ما نیست و فرصت مناسب دیگری را برای تشریح آن می‌طلبد. در اینجا قصد داریم بازتاب توثیق بیمه‌نامه را در وضع بیمه‌گر بررسی نماییم و حدود اعمال قواعد وثیقه را که در قانون آیین دادرسی کیفری آمده است نسبت به وثیقه مورد نظر خود به دست آوریم. با بررسی روابط چندگانه‌ای که گفته شد می‌توان این آثار را تصور کرد:

۱- حقوق بیمه‌گر در مورد بیمه‌نامه به جای خود باقی است؛

۲- بیمه‌گر اصالت بیمه‌نامه را می‌پذیرد نه اصل تعهدات خود را؛

۳- حدود تعهدات بیمه‌گر در هنگام ضبط وثیقه باید رعایت شود و فراتر از آن چیزی بر عهده بیمه‌گر نیست.

گفتنی است با تحلیلی که در مورد توثیق بیمه‌نامه و حفظ حقوق بیمه‌گر گفته شد می‌توان به یک نکته مهم نیز اشاره کرد؛ به این صورت که علت توثیق بیمه‌نامه تنها حفظ وضعیت زیان‌دیده و جبران خسارت اوست و هرگز فراتر از آن نخواهد رفت و حتی تضمین حضور متهم در مرجع قضایی نیز از لوازم پذیرش آن نیست. می‌دانیم مطابق ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۷۸) یکی از ارکان مهم صدور قرار تأمین، پوشش خسارات زیان‌دیده از جرم است و در حوادث رانندگی که عمده تأکید دادرسی نیز همین امر می‌باشد و متهم، از پیش به تحصیل بیمه‌نامه اقدام نموده است، بیمه‌نامه بهترین پوشش‌دهنده به جبران خسارت است و همین امر نیز قانونگذار را به اعتبار دادن به این توثیق تشویق نموده است. بنابراین تمام حقوق بیمه‌گر در هنگام ارزیابی خسارت زیان‌دیده و میزان آن باید رعایت شود. همین نکته مهم است که توثیق بیمه‌نامه را از قواعد عمومی وثیقه متمایز می‌کند.

توثیق بیمه‌نامه و اعمال قواعد دادرسی کیفری: گفته شد که بیمه‌نامه برای جبران خسارت زیان‌دیده (پوشش جنبه خصوصی جرم) به عنوان وثیقه پذیرفته می‌شود و هرگز دلالت بر مسئولیت نهایی بیمه‌گر ندارد، حقوق او را تضییع نمی‌کند

و تعهد حاضر نمودن متهم را بر بیمه‌گر تحمیل نمی‌کند؛ زیرا وثیقه‌گذار محسوب نمی‌شود. بدین ترتیب تفاوت فاحشی با سایر مصادیق وثیقه دارد؛ زیرا در قواعد عمومی قرارهای وثیقه اولاً وثیقه‌گذار مال خود را تضمین حضور متهم قرار می‌دهد؛ ثانیاً در صورت تخلف حضور متهم، مطابق مقررات، وثیقه ضبط می‌شود و پس از جبران خسارت زیان‌دیده، باقی‌مانده به دولت تملیک می‌شود. این قواعد، با مبنای توثیق بیمه‌نامه مطابقت ندارند و تحلیل «حقوق چندگانه بیمه‌نامه»، ما را به نتایج دیگری رهنمون می‌کند:

۱- ممکن است در ابتدای تحقیقات جزایی، برای حادثه رانندگی منتهی به قتل غیر عمد، قرار وثیقه‌ای معادل ۴۰ میلیون تومان صادر شود. متهم بیمه‌نامه را ارائه می‌دهد و مرجع قضایی آن را می‌پذیرد (نحوه عملکرد مرجع قضایی در ادامه تشریح می‌شود) سپس با ارجاع موضوع به هیئت کارشناسی، معلوم می‌شود که حادثه دو علت دارد و نیمی از مسئولیت بر عهده خود مقتول بوده است. در این صورت اگر حکم صادر شود مسئولیت بیمه‌گذار معادل نیمی از دیه مقرر است و به همین ترتیب بیمه‌گر در همان حدود باید از عهده خسارت برآید.

۲- در همین فرض اگر حضور متهم لازم باشد، بدیهی است که به متهم اخطار و مهلت مقرر هم داده می‌شود و اگر حاضر نشد نوبت به ضبط وثیقه می‌رسد. دستور ضبط وثیقه اگر مطابق قواعد عمومی باشد به این منتهی می‌شود که کل وجه بیمه‌نامه از بیمه‌گر اخذ شود (۴۰ میلیون تومان) و پس از کارشناسی مجدد و معلوم شدن دخالت زیان‌دیده و صدور حکم به نیمی از دیه، خسارت او جبران و باقی‌مانده مبلغ به حساب دولت واریز می‌شود! بدین ترتیب، بیمه‌گر مبلغی بیشتر از مسئولیت خود پرداخت نموده است؛ زیرا علاوه بر جبران خسارت زیان‌دیده، به همان اندازه هم بدون جهت به دولت بدهکار و مجبور به پرداخت شده است!

این نتایج قابل پذیرش نیست و هرگز هدف قانون بر این امور نبوده است. باز هم بر این نکته مهم تأکید داریم که هدف از توثیق بیمه‌نامه، تضمین حضور متهم نیست، بلکه چون منبع مالی معتبری وجود دارد و برای مرجع قضایی اطمینان حاصل می‌شود که خسارت زیان‌دیده، بدون دشواری پوشش داده شده و جبران می‌شود، توثیق بیمه‌نامه

پذیرفته خواهد شد تا فارغ از بخش خصوصی جرم، برای اعمال مجازات عمومی و حضور متهم، اقدام دیگری به عمل آید و حضور وی از آن طریق تضمین شود. بنابراین نباید انتظار داشت که دولت تمام وجه بیمه‌نامه را صرفاً به دلیل تخلف متهم تملک کند و بیمه‌گر را مجبور کند علیه متهم به طرح دعوی استفاده بلاجهت یا جبران خسارت ناشی از عدم حضور در مراجع قضایی اقدام نماید. بدیهی است آثار حقوقی هر ماهیتی از مبانی و لوازم آن به دست می‌آید و وقتی بیمه‌نامه تنها نقش جبران‌کننده خسارت زیان‌دیده را عهده‌دار است نباید آثار دیگری را بر آن مترتب دانست. این امر از آثار حقوق چندگانه در بیمه‌نامه است که سابقاً اشاره نمودیم و نشان می‌دهد که «محکومیت متهم و تعیین میزان خسارت»، رکن مهمی در توثیق بیمه‌نامه می‌باشد.

۲-۳. توثیق در رابطه با زیان‌دیده (شخص ثالث)

با تحقق حادثه رانندگی، حق مستقیم برای زیان‌دیده به وجود می‌آید و می‌تواند دعوی مستقیمی را علیه بیمه‌گر طرح کند. این حق، همراه با تقدم زیان‌دیده بر سایر طلبکاران و حتی بالاتر از آن، نوعی طلب مستقیم و جدا از سایر طلبکاران می‌باشد و توثیق بیمه‌نامه هم بر این تقدم و استقلال طلب تأکید دارد. از آنجا که بیمه‌نامه برای جبران خسارت زیان‌دیده می‌باشد، اگر حقی برای وی ثابت نشود یا خسارت او با خسارتی که به طور متقابل به راننده مسئول وارد آورده است (تصادم دو وسیله نقلیه) تهاتر شود، به همان میزان نیز توثیق از بیمه‌نامه برداشته می‌شود. این گفتار می‌تواند به مرجع قضایی هم مرتبط شود و بنابراین از عملکرد قضایی توثیق هم بحث خواهیم داشت.

۲-۳-۱. توثیق بیمه‌نامه و حق تقدم زیان‌دیده

حق تقدم و مستقل زیان‌دیده با توجه به قواعد عمومی بیمه‌ها و قواعد وثیقه می‌تواند به صورت ذیل باشد:

(۱) مطابق ماده ۶۰ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ با اصلاحات بعدی «اموال مؤسسات بیمه همچنین ودایع مذکور در مواد ۳۶ و ۴۶ تضمین حقوق و مطالبات بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنان است و در صورت انحلال یا ورشکستگی مؤسسه بیمه، بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و

صاحبان حقوق آنان نسبت به سایر بستانکاران حق تقدم دارند. در میان رشته‌های مختلف بیمه، حق تقدم با بیمه عمر است...». مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری (ماده ۱۴۵) و قانون مدنی (ماده ۷۸۰) وثیقه مستلزم نوعی حق تقدم است. حق مستقیم زیان‌دیده هم نمی‌تواند این امتیاز را ناچیز بشمارد؛ زیرا اگر شرکت بیمه‌گر ورشکسته شود، زیان‌دیده‌ای که از توثیق بیمه‌نامه برخوردار است، بر سایر افراد مقدم است و در صورت مراجعه زیان‌دیدگان متعدد، وثیقه‌ای که مقدم است امتیاز مقدم دارد. اما آیا توثیق بیمه‌نامه حق زیان‌دیده ناشی از حادثه رانندگی، بر قسمت اخیر ماده ۶۰ و بیمه عمر هم مقدم خواهد بود؟ به نظر می‌رسد چنین امتیازی ندارد و همان‌طور که گفته شد توثیق، بدون ارتباط با حقوق چندگانه افراد تصور نمی‌شود و در این حالت، نمی‌توان حقوق دیگر افراد را در این فرایند نادیده گرفت. توثیق بیمه‌نامه، بر گردن تعهدات بیمه‌گر و حقوق زیان‌دیده در دادرسی کیفری است و تنها بر سایر طلبکاران هم عرض مقدم خواهد بود نه اینکه تمام مقررات بیمه‌ای را کنار بگذارد.

(۲) استیفای حقوق زیان‌دیده از محل وثیقه بیمه‌نامه، منوط به صدور حکم محکومیت مسئول حادثه و تا میزانی است که استحقاق آن را دارد بنابراین اثر تقصیر وی و کاستن از مسئولیت متهم، در بیمه‌نامه هم مؤثر است.

۲-۳-۲. توثیق بیمه‌نامه در رویه قضایی

استفاده از ظرفیت مالی بیمه‌نامه و بیمه‌گران جهت اطمینان از جبران خسارت زیان‌دیده و پوشش بخش خصوصی جرم، در رویه قضایی بدون سابقه نیست؛ در بخش‌نامه مورخه ۱۳۷۴/۲/۹ ریاست محترم وقت قوه قضائیه رد پایی از این توثیق به دست می‌آید. در این بخش‌نامه آمده بود: «نظر به اینکه برابر مواد ۱۲۹، ۱۳۲ و ۱۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری، قضات محترم در امر رسیدگی به جرایم قتل غیر عمدی و صدمه ناشی از تصادفات رانندگی مبادرت به صدور قرار تأمین وثیقه می‌نمایند و این امر در موارد عجز متهم از ایداع وثیقه، منتهی به بازداشت او می‌گردد، علی‌هذا مستند به اعلام شماره ۵۱۰-۱۳۷۴/۱/۲۱-۱۳۷۴ اداره بیمه مرکزی مبنی بر تعهد پرداخت دیه تا سقف هفتاد میلیون ریال، ارائه بیمه‌نامه معتبر از سوی متهم

می‌تواند به عنوان وثیقه تا میزان مندرج در آن تلقی و در موارد شمول، نیاز به اخذ تأمین دیگری نیست؛ مگر آنکه میزان دیه و مجازات پیش‌بینی شده در قانون، اخذ تأمین خاص یا شدیدتر را ایجاب نماید.

بنابراین رویکرد فعلی رویه قضایی که با پشتوانه قانون همراه است نباید دچار انفعال شود و خود را در مقابل یک نهاد نامأنوس بداند. گذشته از تحولات حمایتی نظام بیمه مسئولیت مدنی و ضرورت دخالت مؤثر رویه قضایی در این فرایند، لازم است که اقدام اساسی از سوی قضات محترم به عمل آید تا زمینه اجرای قانون فراهم آید و از نظر سطح حمایتها، نوآوری در احکام و بررسی مجدد مبنای مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی، مانند رویکرد رویه قضایی فرانسه (ر.ک: ژوردن، ۱۳۸۲: دیباچه کتاب) در رویه قضایی ایران هم چنان تحولی صورت گیرد.

از آنجا که پس از تصویب قانون، دیده یا شنیده شده است که ماده ۲۱ قابل اجرا نیست و سبب تعدد قرار تأمین و مانند آن می‌شود، لازم است بر اساس مبانی و مفاهیم بحث، نحوه اجرای قانون بررسی گردد. در این مورد نکات زیر قابل توجه است:

۱- قانون، به بیمه‌نامه اعتباری داده است که توثیق آن در حکم توثیق سایر اموال می‌باشد و اعتبار شرکت بیمه‌گر و حقوقی که مسئول حادثه در بیمه‌نامه دارد، توجیه‌کننده آن می‌باشد.

۲- حکم ماده ۲۱ قانون هرگز محدودیت یا توسعه‌ای در مقررات قرار تأمین که طبق قانون آیین دادرسی کیفری، باید برای حضور متهم صادر گردد به وجود نیاورده است. بنابراین رویه قضایی در صدور قرار تأمین از هر نوع، اختیار قانونی دارد و با رعایت تناسب و ضرورت حضور متهم، یکی از آنها را صادر می‌نماید. برخلاف برخی که ادعا می‌نمایند در حوادث رانندگی، قرار تأمین تنها منحصر در وثیقه شده است باید چنین گفت که این ادعا، فاقد دلیل و توجیه حقوقی است و علاوه بر مغایرت با اصول دادرسی کیفری و قواعد عمومی قرارهای تأمین که بعضاً جهت صدمات بسیار جزئی حتی از قرار التزام به حضور نیز فراتر نمی‌رود، اساساً با متن ماده ۲۱ قانون نیز مطابقت ندارد؛ زیرا این ماده به علت و نوع قرار اشاره‌ای ندارد، بلکه بیمه‌نامه را به نوعی وثیقه قابل اطمینان ترقی داده است.

۳- با توجه به دلایلی که در بخشهای گذشته بیان نمودیم، توثیق بیمه‌نامه جهت اطمینان از جبران خسارت زیان‌دیده است و به جهت ارتباط همزمان با حقوق اشخاص دیگر غیر از بیمه‌گذار (مسئول حادثه)، نمی‌توان جهت تضمین حضور متهم از آن استفاده کرد. به عبارت دیگر در هنگام صدور قرار تأمین، مرجع قضایی، آنچه را مناسب می‌داند تعیین می‌کند و معادل خسارت وارده (دیه یا ارش)، اگر متهم بیمه‌نامه ارائه داد، می‌تواند وثیقه را بپذیرد اما هرگز نمی‌تواند فراتر از خسارت وارده، توثیق را بر بیمه‌نامه و بیمه‌گری که مسئولیت پرداخت را دارد، تحمیل کند.

۴- ممکن است با صدور قرار کفالت، متهم اعلام کند که کفیل ندارد، ولی بیمه‌نامه دارد و بیشتر از میزان خسارت را هم حاضر است از اموال خود تودیع کند در این صورت، موضوع تابع همان بحثی است که در مورد تبدیل قرار کفالت به وثیقه، به درخواست متهم و جهت جلوگیری از بازداشت وی مطرح می‌شود و قاعده ویژه‌ای ندارد. بدیهی است اجابت این درخواست الزامی می‌باشد.

۵- تبدیل مال موضوع وثیقه به مال دیگر در مورد بیمه‌نامه هم مطرح می‌شود. پس از اینکه متهم مالی را جهت وثیقه تودیع کرد، می‌تواند با ارائه بیمه‌نامه، تا اندازه خسارت وارد به زیان‌دیده، درخواست تبدیل وثیقه را داشته باشد و مرجع قضایی مکلف است آن را بپذیرد و از اموال اولیه وثیقه‌گذار، رفع توقیف نماید.

۶- ممکن است در ابتدای صدور قرار تأمین وثیقه، خسارات بدنی به صورت قطعی معلوم نباشد. در این صورت، مسئله از همان قواعد عمومی که تا کنون بوده است تبعیت می‌کند؛ به این صورت که اولاً اختیار تعیین نوع قرار و میزان آن با مرجع قضایی است و ثانیاً متهم باید معادل مبلغ قرار وثیقه، اموالی معرفی کند و بیمه‌نامه هم در این میان قابل پذیرش می‌باشد اما نکته قابل توجه آن است که میزان دیه و ارش معلوم نیست و در مواردی، قدر متیقن هم نمی‌توان به دست آورد. در این صورت چه باید کرد؟ اولین پاسخ آن است که این امر، عذر و بهانه‌ای برای پذیرفتن توثیق بیمه‌نامه نیست و رویه قضایی هم نباید با دستاویز قراردادن این امر، به دشمنی با منطبق ماده ۲۱ قانون برخیزد و به نام نظر قضایی، تفسیری ارائه دهد و موضوع حاضر را از شمول ماده ۲۱ قانون منصرف بداند؛ زیرا بدون تردید، توثیق

بیمه‌نامه این موارد را هم پوشش می‌دهد و دلیلی بر انصراف یا عدم شمول قانون بر این امر وجود ندارد. در مرحله دوم می‌توان با نگاه منطقی به موضوع، راه حلی را پیدا کرد؛ اگر صرف نظر از بحث توثیق بیمه‌نامه به موضوع نگاه کنیم ملاحظه می‌شود که علت صدور قرار، هم جبران خسارت (نامعلوم) است و هم اعمال ضمانت اجرای عمومی نسبت به مرتکب و در این موارد، رویه قضایی بر اساس شرایط هر پرونده و گزارشهای موثق، ناچار است قراری صادر نماید و اگر سؤال شود که علت صدور قرار چیست، احتمال خسارت آینده را به عنوان توجیه‌کننده میزان قرار اعلام می‌کند. بنابراین مرجع قضایی، خود می‌داند که با صدور قرار تأمین وثیقه، چه میزان از آن به جهت جنبه‌های خصوصی بوده و با یک ارزیابی نسبی، می‌تواند همان میزان را به عنوان وثیقه، از محل بیمه‌نامه تأمین کند و بدیهی است اگر در ادامه رسیدگی خسارت کمتر یا بیشتر از ارزیابی نسبی اولیه شد، به همان میزان با تخفیف قرار و کاستن از توثیق بیمه‌نامه یا تشدید قرار و افزایش توثیق، موضوع خسارت واقعی را با بیمه‌نامه منطبق می‌کند.

۷- می‌دانیم که حوادث رانندگی، به طور معمول علاوه بر خسارت بدنی، خسارت مالی هم به بار می‌آورند و در موقع صدور قرار تأمین، باید این خسارت را که معمولاً با عبارت ضرر و زیان ناشی از جرم معرفی می‌شوند در نظر گرفت (ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری). در این صورت آیا این خسارت را که باز هم به طور نسبی تخمین زده شده و ارزیابی می‌شود، باید از محل بیمه‌نامه پوشش داد؟ در این مورد دو استدلال قابل طرح است که یکی به پذیرش و دیگری به نفی آن منتهی می‌شود؛ از یک سو می‌توان گفت که اصول حاکم بر توثیق بیمه‌نامه و اعتباری که قانون، بر اساس واقعیت منطقی آن، به بیمه‌نامه داده است دلالت بر پذیرش توثیق آن حتی نسبت به خسارت مالی دارد و وقتی امکان جبران خسارت و قبول وثیقه برای خسارت بدنی باشد چرا بابت خسارت مالی نباشد. از طرف دیگر می‌توان چنین گفت که اولاً ماده ۲۱ قانون در مقام منزلت دادن به بیمه‌نامه و توثیق آن، تنها به «خسارت بدنی» اشاره دارد و فراتر از آن منظور نبوده و دلیلی بر الحاق خسارت مالی به خسارت بدنی وجود ندارد؛ ثانیاً خسارت مالی بر حسب ماده ۴ قانون، برای

جبران، محدودیت سقف دارد در حالی که این امر برای خسارت بدنی متصور نیست، زیرا هرچند در ماده ۵ قانون از سقف تعهدات بیمه‌گر یاد شده است اما در تبصره ۲ ماده ۴ قانون، امکان پوشش خسارات فراتر از سقف بیمه‌نامه هم وجود دارد، ولی خسارت مالی این گونه نیست؛ ثالثاً به طور معمول خسارت مالی تابع شرایط عمومی بیمه‌نامه است و محدودیت‌هایی برای پرداخت دارد که در قالب شروط قراردادی ذکر می‌شود اما خسارت بدنی، به دلیل اهمیت نمی‌تواند با شرایط عمومی یا الحاق شده به بیمه‌نامه محدود شود. بنابراین عدم پذیرش بیمه‌نامه قویتر است.

برای نتیجه‌گیری باید گفت که تمام استدلالهای مطرح شده در نظر دوم قابل رفع و پاسخ هستند. از یک سو در مورد شرایط محدودکننده و قواعد عمومی شروط الحاقی به بیمه‌نامه، فرقی بین خسارت بدنی و مالی وجود ندارد و هرچند اهمیت خسارت بدنی قابل انکار نیست اما این نکته وجه تفاوتی را در بحث پذیرش بیمه‌نامه ندارد و آن گونه که ادعا می‌شود نمی‌توان بین خسارت مالی و بدنی، از نظر پرداخت یا عدم پرداخت، تمایز گذاشت. از سوی دیگر، توثیق بیمه‌نامه برای خسارت بدنی در کنار خسارت مالی به این معناست که به سقف بیمه‌نامه برای پوشش خسارت بدنی باید توجه شود و تنها در همان حدود بیمه‌نامه پذیرفته شود و مازاد را خود مرتکب باید تأمین کند، اما این نکته بدیهی چه ارتباطی با عدم پذیرش بیمه‌نامه دارد. اشاره ماده ۲۱ قانون هم به آن جهت است که تنها خسارت بدنی ناشی از حوادث رانندگی، جرم و نیازمند تأمین وثیقه هستند و صرف خسارت مالی این گونه نیست، اما وقتی عملی جرم اعلام شد و در فرایند کیفری قرار گرفت، تمام اجزای عمومی و خصوصی آن، یک پیکره واحد را تشکیل می‌دهد و در این صورت، ضرر و زیان مالی ناشی از جرم نیز بخش قابل توجه جرم است. علت اشاره ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری نیز همین نکته می‌باشد و معلوم است که خسارت مالی که از جرم ناشی شود ماهیت مدنی صرف دارد و جرم بودن آن، از نظر عقلی و قانونی قابل تفکیک است اما قانون همه این ماهیت را در یک دادرسی قابل بررسی می‌داند و لذا به جبران خسارت مالی هم بی‌توجه نیست. بنابراین از اشاره ماده ۲۱ به «خسارت بدنی» نباید چنین تفسیر کرد که خسارت مالی که همراه

خسارت بدنی است مشمول قانون نیست.

۸- آنچه در مورد فرایند قضایی توثیق بیمه‌نامه گفته شد به این معنا نیست که دو قرار تأمین صادر شود. در همه دعاوی مربوط، بیش از یک قرار نباید صادر شود و ماده ۲۱ قانون دلالت بر تفکیک جنبه عمومی و خصوصی و اختصاص یک قرار برای هر کدام ندارد. اگر مرجع قضایی تصمیم به صدور قرار وثیقه داشت، بدیهی است که میزان قرار را مشخص می‌کند. در این هنگام آنچه برای خسارت زیان‌دیده به صورت روشن (در صدمات و خسارات قطعی) و یا نسبی (صدمات و خسارات غیر قطعی) معین می‌شود و بخشی از پیکره همان قرار واحد را تشکیل می‌دهد، از طریق بیمه‌نامه قابل تأمین است و آنچه جهت جنبه عمومی در همان قرار مستقر است از محل سایر اموال متهم ایداع خواهد شد. بنابراین قرار واحد است اما طبق ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری دو حیثیت دارد و توثیق بیمه‌نامه فقط مربوط به حیثیت و ماهیت خصوصی (خسارت) است.

۹- در مورد تشدید یا تخفیف مبلغ قرار وثیقه (برای مثال اگر گواهی جدید پزشک قانونی میزان صدمات را بیشتر نشان دهد یا کارشناس اعلام کند که خود مصدوم هم در حادثه دخالت دارد و نیمی از خسارت طبق قانون با خود مصدوم باشد که به ترتیب، سبب تشدید قرار و تخفیف آن می‌شود)، از آنجا که سند بیمه‌نامه ملاحظه شده است و به صورت مصدق پیوست پرونده مربوط می‌باشد و نامه شرکت بیمه هم دلالت بر اصالت بیمه‌نامه دارد، نیازی به اقدام دیگر نیست و با تشدید یا تخفیف قرار، همان ظرفیت بالقوه مالی که در بیمه‌نامه وجود دارد، خودبه‌خود به عنوان وثیقه با مبلغ جدید، احتساب می‌شود. در هر حال اگر متهم اموالی دیگر از خود را نیز تودیع نموده باشد حق دارد پس از تخفیف قرار تأمین، رفع توقیف از اموال خود را بخواهد و از اعتبار بیمه‌نامه (تنها برای خسارت) استفاده کند؛ زیرا در هر صورت انتخاب مال مورد وثیقه با متهم است و مرجع قضایی نمی‌تواند تخفیف قرار و کم شدن مبلغ وثیقه را از محل بیمه‌نامه احتساب نماید و اموال دیگر متهم را همچنان در توقیف نگهدارد.

۱۰- در ماده ۲۱ قانون از اعتبار توثیق «تا میزان مندرج در بیمه‌نامه» یاد شده است اما باید به مفاد تبصره ۱ ماده ۴ نیز توجه داشت و در آن موارد، حتی فراتر از میزان

مندرج در بیمه‌نامه، از توثیق آن استفاده کرد.

۱۱- ممکن است با صدور قرار وثیقه و ارائه بیمه‌نامه برای بخش خصوصی قرار، متهم از تودیع بخش عمومی قرار امتناع کند یا قادر به معرفی مال دیگری نباشد؛ در این صورت باید بازداشت شود حتی اگر بخش عمومی قرار مبلغ کمی باشد. این امر مانند فرضی می‌باشد که برای جرم تخریب، قرار وثیقه‌ای معادل ۴ میلیون تومان صادر شده است و متهم، تنها قادر به تودیع ۳/۹۰۰/۰۰۰ تومان می‌باشد که در این صورت تردیدی در بازداشت متهم نیست. توثیق بیمه‌نامه هرگز به معنای نادیده گرفتن اصول قرارهای تأمین و دادرسی کیفری نخواهد بود و قرار نیست متهم در هر شرایطی آزاد شود!

نتیجه‌گیری

توثیق بیمه‌نامه باید بر اساس حقوق اشخاص مختلفی که به آن مرتبط می‌شوند تحلیل گردد. اگر مرتکب حادثه، هیچ حقوقی در آن نداشته باشد، امکان توثیق وجود ندارد و دقیقاً به جهت حقوق بیمه‌گر در آن است که قواعد ضبط وثیقه، آن‌طور که در سایر موارد است، در بیمه‌نامه اعمال نمی‌شود و باید بر اساس منطق خاص آن به تعیین آثار ناشی از وثیقه اقدام کرد. هر چند ماهیت و آثار توثیق بیمه‌نامه، بدون ابهام نیست و در برخی موارد، باید از برخی ظواهر قانون تعدی کرد و آنها را از توثیق مذکور منصرف دانست ولی چون نص ماده ۲۱ قانون چاره‌ای جز اعمال وثیقه باقی نگذاشته است، برای جمع تمام قواعد مقرر و ضرورت دسترسی به متهم، وثیقه بیمه‌نامه تنها جهت جبران خسارت زیان‌دیده تلقی می‌شود و هرگز برای حضور متهم در مرجع قضایی قابل استفاده نیست. معنای این سخن تفکیک قرار تأمین و صدور چند قرار نیست، بلکه محتوای قرار وثیقه، از چند جهت بررسی می‌شود و اگر رویه قضایی در صدد اجرای ماده ۲۱ قانون باشد (که گریزی از آن نیست) باید این رویکرد را دنبال کند و یا با کنار زدن تحلیل منطقی مذکور، آثار نامطلوب اجرای قواعد مرسوم وثیقه را در مورد بیمه‌نامه هم بپذیرد. رویکرد دوم، مورد پسند ما نیست و به رویه قضایی توصیه می‌شود که منطبق حاکم بر بیمه‌نامه را محور تفسیر خود قرار دهد.

کتاب‌شناسی

۱. اخلاقی، بهروز، «بحثی پیرامون توثیق اسناد تجاری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۴، ۱۳۶۸ ش.
۲. بابایی، ایرج، حقوق بیمه، تهران، سمت، ۱۳۸۲ ش.
۳. پرادل، ژان، حقوق کیفری تطبیقی، جرایم علیه اشخاص (آسیبهای جسمی)، ترجمه مجید ادیب، تهران، میزان، ۱۳۸۶ ش.
۴. خدابخشی، عبدالله، «دفاع از حقوق کیفری»، دو فصلنامه علوم جنایی، سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷ ش.
۵. همو، تأثیر بیمه در حقوق مسئولیت مدنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ ش.
۶. ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، تهران، میزان، ۱۳۸۲ ش.
۷. عراقی، عزت‌الله، حسن بادینی و مهدی شهابی، درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۶ ش.
۸. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، عقود معین، عقود اذنی - وثیقه‌های دین، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن‌برنا، انتشارات مدرس، ۱۳۷۶ ش.
۹. همو، قواعد عمومی قراردادهای، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن‌برنا، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. همو، نظریه عمومی تعهدات، تهران، یلدا، ۱۳۸۴ ش.
۱۱. کاتوزیان، ناصر و محسن ایزانلو، مسئولیت مدنی، بیمه مسئولیت مدنی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. محمودصالحی، جانعلی، فرهنگ اصطلاحات بیمه و بازرگانی، تهران، شرکت صادراتی سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. مذاکرات و آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، سال ۱۳۸۲، اداره وحدت رویه و نشر مذاکرات و آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. مشایخی، همایون، مبانی و اصول حقوقی بیمه، بیمه‌های اشخاص، مدرسه عالی بیمه ایران، ۱۳۵۳ ش.
۱۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۱۶. ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، چاپ چهارم، تهران، نی، ۱۳۸۴ ش.
17. Borham, Atallah, Le Droit Propre De La Victime Et Son Action Direct Contre L'assureur De La Responsabilité Automobile Obligation, L.G.D.J, Paris, 1976.
18. Ledoux, Jean-luc, *Les Saisies: Chronique de Jurisprudence*, 1986-1996, Larcier, 1997.
19. Liebenberg, Andre P., James M. Carson and Robert E. Hoyt, *The Demand for Life Insurance Policy Loans*, in: <http://ssrn-id1334711.pdf>.
20. Peden, M.M., *World Health Organization, World Bank, World Report on Road Traffic Injury Prevention: On Road Traffic Injury Prevention, World Health Organization*, 2004.

